

نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان از منظر آموزه‌های اسلامی

راضیه شیرینی^۱

چکیده:

رفاه اقتصادی افراد جامعه جزء اصلی‌ترین مسائل در راستای پیشرفت و توسعه‌ی هر کشوری است که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. علی‌رغم تلاشهایی که در جهت بهبود وضعیت اقتصادی ایران شده است باز شاهد افول در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بوده و پدیده‌ی فقر یکی از جدی‌ترین معضلات کشور محسوب می‌شود. لذا لازم است تلاشهایی توسط حکومت اسلامی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی جامعه انجام شود که توجه به بهبود وضعیت معیشتی افراد جامعه و به ویژه محرومان از فعالیت‌هایی است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر روند افزایش شاخص‌های اقتصادی جامعه داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف ارائه‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در پاسخ به این سؤال که "حکومت اسلامی چه نقشی در گسترش حمایت مالی نیازمندان جامعه دارد؟" انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از روش تحلیلی، انتقادی به بررسی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان جامعه پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که حاکمیت می‌تواند از طریق ایفای نقشهای شناختی، سازماندهی، هدایتی، حمایتی و نقش مدیریتی در این زمینه مؤثر باشد. درک ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از نیازمندان مرتبط با نقش شناختی حکومت اسلامی بوده و توجه به اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران اقتصادی نیز مرتبط با نقش سازماندهی حکومت اسلامی است و توسعه‌ی بینش فرهنگی جامعه در

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس rsh.khoy@yahoo.com

راستای حمایت از نیازمندان، آموزش و تربیت جامعه‌ی صالح و معنوی از مصادیق نقش بصیرت دهی حاکم اسلامی است. از نقش‌های اجرایی و نظارتی نیز می‌توان به شناسایی افراد نیازمند جامعه، التزام حاکمیت و کارگزاران حکومتی به ساده‌زیستی، تنظیم روابط بین افراد بر اساس اصل خدمت رسانی، تأسیس صندوق‌های قرض الحسنه و بستر سازی برای اجرای اصل مسئولیت مشترک اجتماعی در جامعه اشاره نمود. حمایت از مؤسّسات خیریه و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی، ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال از مصادیق نقش حمایتی است.

کلید واژگان: اقتصاد، حمایت مالی، نیازمندان، حکومت اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه و بیان مسأله:

کمک به نیازمندان از آموزه‌های اساسی اسلام است که در متون دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ در آموزه‌های اسلامی تعامل متقابل انسانها و همیاری در رفع مشکلات یکدیگر از جایگاه والایی برخوردار است: "تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَّوْا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ" (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۱۵۰؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۲۲) (بایکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید به هم نیکی کنید و با هم مهربان باشید و همچنان که خداوند به شما دستور داده است برادرانی نیکوکار باشید) انفاق به نیازمندان در آیات قرآن کریم در کنار اقامه‌ی نماز ذکر شده و آثار فراوان فردی از قبیل افزونی مال، طهارت نفس، دوری از بلاها و مصایب و... و آثار اجتماعی نظیر رفع فقر در جامعه و پیشرفت نظام اقتصادی برای آن ذکر شده است. باید گفت این امر در قرآن کریم به عنوان دستوری اخلاقی مطرح شده: "وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ؛ وَ حَقَّ خَوِشَاوْنِد رَا بَه اُو بَدَه وَ مَسْتَمْنِد وَ دَر رَاه‌مَانْدَه رَا [دستگیری کن]" (اسراء: ۲۶) و در روایات به عنوان حقی از حقوق الهی معرفی شده است (حکیمی، ۱۳۸۰: ۱، ۶۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷، ۲۵۲) به طوری که عدم اهتمام به این امر با بی ایمانی یکسان دانسته شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۸؛ ورام، ۱۳۶۹: ۲، ۲۰۰) از منظر روایات بعد از ایمان به خدا محبوبترین سپاسگزاری از خداوند، یاری رسانی به محرومان است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲، ۱۶۹؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲، ۶۵۹). سیاق آیه‌ی "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ؛ كَسَانِي كَه اَمَوَالِ خُود رَا شَب وَ رُوز، وَ نَهَان وَ أَشْكَارَا، انْفَاق مِي كَنْد، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود" (بقره/۲۷۴) تقدیر و سپاس از کسانی است که در باره‌ی رفع نیازهای اجتماع همت گماشته و برای کمک به زیردستان نهایت سعی را مبذول می‌دارند و هنگامی که مالی بدست آورده آشکارا و یا نهان به نیازمندان انفاق می‌نمایند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۶۲)

از این روست که پیامبر (ص) و ائمه معصومان (علیهم السلام) در دوران زندگی خود به این امر توجهی وافر داشتند و علاوه بر تشویق مردم به این امر خیر، خود در انجام آن پیشقدم بودند. با توجه به اینکه فلسفه‌ی تشکیل حکومت در اسلام اقامه‌ی قسط و پیشبرد جامعه در مسیر فرمان خدا، رفع محرومیت و رسیدگی به وضع معیشتی افراد



جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد و مناسب برای تحقق رفاه نسبی است، مسئولان حکومتی در این باره مسئولیت سنگین‌تری بر عهده دارند. به تعبیر آیت الله جوادی آملی: حفظ منافع مادی مردم گوشه‌ای از وظایف حاکم اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۰۹). حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود به آن توجه نموده و در نامه‌های خود به کارگزاران، توجه به افسار ضعیف جامعه را مورد تأکید قرار داده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به نامه‌ی امام به مالک اشتر اشاره نمود: "اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزُّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظِ [اللَّهُ] لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكِ؛ خدا را! خدا را! درباره‌ی طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش؛ کسانی که راه چاره‌ای ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و زمین‌گیران. در میان آنان افراد قانع و اهل اعلام نیاز وجود دارند، حق الهی را که از تو خواسته است؛ درباره‌ی آنان پاس بدار و بخشی از بیت‌المال [حکومت] را برای آنان قرار ده".

منقول است که امام حسن (ع) علاوه بر دوران حاکمیت امیرالمومنین علی (ع) و در دوران کوتاه حکومت خودشان در کوفه و دوران پس از حکومت نیز این کار را انجام می‌دادند و به بخشی از قشرهای نیازمند، نظیر سالمندان، یتیمان و خانواده‌های شهدا و... مستمری و حقوق تعیین کرده بودند که حقوق آنها را از محل موقوفات و صدقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان (ع)، فاطمه زهرا (ع) و اموال شخصی خود می‌پرداختند.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در تاریخ سوم اسفند ۱۳۶۷ به این امر توجه نموده و از جنگ فقر و غنا به عنوان جنگ حق و باطل و جنگ ایمان و رذالت یاد کردند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱، ۸۵) و بدینوسیله به حساسیت رفع فقر و جامعه‌ی طبقاتی اشاره نموده و آن را جهادی بر دوش تمامی مردم جامعه دانستند، ولی متأسفانه در حال حاضر به این مقوله توجهی نشده و طبق آمار جهانی روز به روز بر فاصله‌ی طبقاتی افراد جامعه افزوده می‌شود لذا لازم است برای رفع آن، انفاق و کمک به نیازمندان مورد توجه و عمل قرار گیرد که با توجه به قدرت اجرایی حکومت در جامعه، هیأت حاکمه‌ی حکومت اسلامی می‌تواند به این موضوع توجه نموده و زمینه ساز گسترش کمک به نیازمندان

در سطحی وسیع در جامعه گردد. از این رو انجام تحقیقی که بتواند نقش‌های مختلف حکومت را در این امر مورد تبیین قرار دهد امری ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر رساندن کشور به سطح بالای توسعه و پیشرفت وظیفه‌ی هر حکومتی است و در این راستا نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران، توجه به توسعه‌ی کشور مورد توجه کارگزاران جمهوری اسلامی قرار گرفت و در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری در قالب اصطلاح "پیشرفت" توجه همگان بر ارائه‌ی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی طبق ضرورت‌های کشور جلب شد. ارائه‌ی الگو در زمینه‌ی پیشرفت اقتصادی کشور که زمینه‌ساز رفاه نسبی افراد جامعه و به ویژه نیازمندان کشور است یکی از مهمترین اموری است که لازم است مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است که حمایت از نیازمندان جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت عنوان طرح حمایت از مستضعفان و محرومان در راستای فقرزدایی مورد توجه قرار گرفت ولی متأسفانه هنوز هم مسأله‌ی فقر در ایران از معضلات کشور محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به تأکیدات شارع بر توجه به هموعان و خدمت به یکدیگر، اگر فرهنگ احسان و خدمت‌رسانی به هم‌نوع در جامعه گسترش یابد بسیاری از معضلات مرتبط با محرومیت و فقر در جامعه حل خواهند شد. بدین ترتیب سوق دادن جامعه به سوی کمال و سازندگی در پرتو عمل به تعالیم اسلامی وظیفه‌ی هر فرد مسلمان به ویژه حکومت و دولت اسلامی است و در این مورد مجلس شورای اسلامی و منتخبان ملت، قوه قضائیه و قضات کشور، رؤسای جمهوری و اعضای هیئت دولت و... وظیفه‌ای بزرگ در برابر افراد نیازمند بر دوش دارند.

با توضیحات فوق می‌توان گفت حاکم اسلامی در مورد حمایت از نیازمندان علاوه بر نظارت مستقیم بر تأمین معاش افراد نیازمند، لازم است با فراهم آوردن زمینه‌ی حمایت افراد جامعه به ویژه افراد توانمند از افراد نیازمند ایفای نقش کند. لذا این تحقیق در نظر دارد نقش حاکمیت را در گسترش حمایت اجتماعی محرومین و نیازمندان جامعه در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهد که در این راستا سعی شده است از تعالیم اسلامی نیز استفاده گردد.

۲- اهداف و پرسش‌های تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق این است که با بررسی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان الگویی جهت رسیدن به پیشرفت اقتصادی در جامعه ارائه دهد.



پرسش اصلی پژوهش این است که حکومت اسلامی چه نقشی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان در سطح جامعه دارد؟ پرسشهای فرعی نیز عبارتند از اینکه: (۱) نقش شناختی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟ (۲) نقش سازماندهی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟ (۳) نقش اجرایی و نظارتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟ (۴) نقش حمایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

۳- پیشینه‌ی پژوهش

علی‌رغم نقشی که حمایت از نیازمندان در رسیدن به تمدن و پیشرفت در جامعه دارد و لازم است در این زمینه تحقیقات متعددی صورت گرفته باشد ولی جستجوی پایان نامه‌ها و کتاب و مقالات نشان می‌دهد که در این زمینه آثار معدودی تألیف شده است: از جمله می‌توان به مقاله‌ی "امام علی و نیازمندان" نوشته‌ی ابراهیم کاملی در فصلنامه کوثر، ۱۳۸۶، ش ۷۱ و نیز پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جذب افراد نسبت به امور خیریه نیازمندان کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان ایلام با نقش میانجی بازاریابی اخلاقی" نوشته‌ی سید روح‌الله رحمانی در سال ۱۳۹۶ اشاره نمود که هرکدام از این تحقیقات مقوله‌ی حمایت از نیازمندان جامعه را در ابعادی غیر از نقش حکومت اسلامی مورد توجه قرار داده است. لذا بررسیها نشان می‌دهد که تا کنون تحقیقی در زمینه‌ی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان انجام نشده است و این اولین تحقیقی است که در این زمینه انجام شده است. لذا این تحقیق از لحاظ ساختار و گردآوری مطالب، در تبیین نقش حکومت در گسترش حمایت از نیازمندان که توسط افراد جامعه باید انجام شود بدیع و جدید است.

۴- تعریف مفاهیم:

۴-۱ مفهوم واژه‌ی "حکومت":

حکومت در لغت به معنای فرمانروایی، داوری (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶، ۱۶۰؛ الصحاح، ۱۹: ۱۹۰۱؛ راغب، ۲۴۹) و ردّ ظلم از کسی (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶،

ص ۱۶۰؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶، ص ۴۶) است. برای معنای اصطلاحی این واژه تعاریف مختلفی از سوی دانشمندان ارائه شده است. ژان ژاک روسو حکومت را واسطه‌ای میان رعایا و هیأت حاکم دانسته است که آنها را به همدیگر مربوط می‌سازد و حفظ قانون و حفظ آزادی سیاسی را به عهده دارد (روسو، ۶۹؛ فاستر، ۱۳۶۱: ۳۸۹). برخی نیز آن را به معنای بسیج کردن امکانات و منابع فکری و مدنی و انسانی توسط بخشی از امت (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۰۷) و یا مجموعه نهادهای مجری احکام دانسته‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۳۰). برخی دیگر نیز با استناد به پایه‌ریزی نظام حکومت بر اساس ولایت و امامت آن را ریاست عام الهی برای یک انسان در تمام اموری که به دین و دنیای مردم مربوط است تعریف نموده‌اند (محامد، ۱۳۸۹: ۱۹). آنچه در این تحقیق مدنظر است همان هیأت حاکمه بر روند اصلاح امور جامعه است که در ایران متشکل از سه قوهی مجریه، مقننه و قضائیه است.

۲-۴ روش پژوهش:

روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی تحلیلی است که بر اساس داده‌های اسنادی، کتابخانه‌ای است و سعی خواهد شد بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی به تجزیه و تحلیل پیرامون نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان پرداخته شود.

۳-۴ یافته‌های تحقیق:

یافته‌های پژوهش در پاسخ به سوالات طرح شده به شکل زیر است:

پرسش اول: نقش شناختی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان

چیست؟

اصلی‌ترین وظیفه‌ی حاکمیتی دولت اسلامی درک ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از نیازمندان جامعه است. این امر زمانی محقق می‌شود که اعضای کابینه‌ی دولت بتوانند به تحلیل شرایط جامعه بپردازند و لزوم حمایت از نیازمندان را درک کنند. حاکمیت روحیه‌ی ایمان به خدا و تسلیم در برابر اوامر الهی در کارگزاران دولتی زمینه تحقق این تعهد را فراهم می‌نماید. در نظام اسلامی، تقواگرایی، اساس کار و سازندگی بوده و فرد را به سمت درک شرایط و عدالت محوری سوق می‌دهد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)



وجود معنویت در مدیران حکومتی علاوه بر ایجاد شناخت و درک واقعیت‌های موجود در جامعه از بعد رفتاری نیز آثار متعددی دارد که در راستای حمایت از نیازمندان مفید است. مدیران متقی در سازمان‌ها با این نیروی بازدارنده از دست زدن به رفتار غیراخلاقی چون اختلاس، رشوه‌خواری و بنده و برده‌ی پول شدن پرهیز نموده (ربّانی، ۱۳۸۰: ۵۲) و به جهت خلوصی که دارند در سازمان‌ها دچار خودبرتربینی، بدزبانی، رفتار تحقیرآمیز نسبت به دیگران، توهین و رفتارهایی از این قبیل نمی‌شوند (کازمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵). لذا نقش شناختی اولین نقشی است که حکومت اسلامی می‌تواند در این راستا داشته باشد.

پرسش دوم: نقش سازماندهی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

سازماندهی نقشی است که در آن حاکم اسلامی به عنوان مدیر جامعه ملزم به اجرای وظایفی است که باید اجرا شود، تشخیص کسانی است که باید اجرا کنند، چگونگی گروه‌بندی وظایف و تعیین کسانی است که باید گزارش دهند یا گزارش بگیرند (فیضی، ۱۳۸۳: ۱۵۶)

با توجه به این که دقت در انتخاب کارگزاران متخصص و با اخلاق در جامعه سبب پیشرفت کارها و تثبیت ارزش‌های اخلاقی می‌شود، دولت موظف است با پیروی از آموزه‌های اهل بیت (ع) برای فقرزدایی جامعه و حمایت از نیازمندان و نیز پیشرفت و شکوفایی اقتصادی، در انتخاب کارگزاران اقتصادی دقت نموده و از اصل تخصص‌مداری در این امر استفاده نماید. امام رضا (ع) محرومیت و فقر و نابسامانی اجتماعی را در سپردن کارها به دست افراد غیر متخصص دانسته و می‌فرماید: "[بخشی از شریعت اسلام] بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و کسانی که باید رانده می‌شدند را در مرکز اسلامی پناه دادند و کم‌خردان (غیر متخصصان) را به کار گماردند." (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵، ۲۷۸) رعایت شایسته‌سالاری در بعد اخلاقی نیز سبب می‌شود افرادی به کار اقتصادی گمارده شوند که امانتدار بیت المال باشند. امام علی (ع) در عهدنامه‌ی مالک اشتر، می‌فرماید: "کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که... اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر است." بنابراین، یکی از معیارهای مهم انتخاب کارگزار شایسته، داشتن صلاحیت اخلاقی است.



پرسش سوم: نقش اجرایی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

منظور از این نقش، نقشی است که حکومت اسلامی با اجرای قوانین و نظارت بر روند اجرای آن قوانین ایفا می‌کند.

طبق فرموده‌ی قرآن کریم برخی افراد نیازمند به علت خویشتنداری و عدم درخواست از دیگران به عنوان فرد نیازمند در جامعه شناخته نمی‌شوند: "الْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا؛ [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتنداری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است، در این آیه به یکی از موارد انفاق و بخشش اشاره شده که دارای اولویت و اهمیت است؛ یعنی نیازمندان آبرومندی که در خدمت اسلام و مسلمانان هستند (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲، ۳۲۲) معرفت این افراد از چهره‌هایشان، برای این است که چهره آنها زرد، و بدن‌هایشان لاغر، و آثار محنت و کوشش از صورتشان آشکار می‌باشد. (دیوبندی، ۱۳۸۵: ۱، ۲۵۰) حکومت اسلامی می‌تواند با شناخت این افراد و معرفی آنها به مراکز خیریه و صندوقهای قرض الحسنه و اعطای تسهیلات ویژه به آنها و... در این زمینه نقش داشته باشد همچنانکه امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر به طبقه‌ی محرومی که خویشتن‌دار هستند اشاره نموده و به او دستور داده است که این گروه نیز شناسایی شده و مورد توجه وی قرار گیرند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

دیگر نقش اجرایی حکومت اسلامی، تنظیم روابط بین افراد بر اساس اصل خدمت‌رسانی است. باید گفت در آموزه‌های اسلامی، مالکیت انسان نسبت به اموال خود، مالکیتی مجازی است. طبق این نگرش، اموال مردم در حکم غنیمت بوده و دیگران نیز در آن اموال سهیمند: "كَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِيٍّ وَ أَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازًا لَا حَقِيقَةً لَهُ؛ و آنچه در دست مردم است عنوان عاریه دارد، و مردمان به مجاز مالکند نه به حقیقت" (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳، ۸۸؛ نوری، ۱۴۰۸: ۷، ۲۷۸) و نیز سرمایه‌گذاری اموال بین برادران

دینی حق برادری است: "أَنَّ حَقَّ الْإِخْوَانِ وَاجِبٌ فَرَضٌ لَا زِمٌ؛ هَمَانَا مِرَاعَاتِ حَقِّ بَرَادَرَانِ وَاجِبٌ وَ لَا زِمٌ اسْت" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۲۶). در آیه ۲۷۳ از سوره ی بقره: "لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ" لام در "للفقراء" لام اختصاص است (طیب، ۱۳۸۹: ۳، ۵۹) و نشان می دهد فقرا، در اموال اغنیاء حقی دارند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱، ۴۳۲).

در تعالیم اسلامی بر لزوم صله ی رحم به عنوان ارزش اخلاقی تأکید شده و لزوم حمایت مالی از خویشاوندان از مصادیق آن شمرده شده است و حتی در بینش ائمه اطهار (ع) حمایت مالی از نیازمندان خویشاوند اولویت دارد: "لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاجٌ." (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲: ۶۸) امام صادق (ع) در تفسیر آیه ی شریفه "وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ. لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ" (معارج / ۲۴، ۲۵) چنین فرمودند: "هو الرجل يؤتیه الله الثروة من المال، فیخرج منه الالف و الالفین و الثلاثة آلاف و الاقل و الاکثر، فیصل به رحمه، و یحمل به الكل عن قومه؛ آری این درباره کسی است که خداوند ثروت و مالی به او می بخشد و او به مقدار هزار یا دو هزار یا سه هزار یا بیشتر و کمتر از آن جدا کرده و با آن صله رحم می کند و مشقت از قوم خود بر می دارد."

حضرت علی (ع) می فرماید: "فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الضَّيَّافَةَ وَ لِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَ الْعَانِي وَ لِيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْعَارِمَ وَ لِيُصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقُوقِ وَ النَّوَابِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ فَإِنَّ فَوْزًا بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَّكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرَكٌ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ؛ هر کس که خداوند مالی را به او ببخشد، باید به خویشاوند خود بخشش کند، و سفره های مهمانی بگستراند، و اسیر را آزاد کند، و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد، و برای به دست آوردن ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق الهی شکیبایی ورزد" (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱: ۴۱۶).

لذا اگر حاکمیت بتواند در این راستا قانون هایی مبنی بر التزام مردم بر رعایت حقوق خانوادگی و شهروندی تصویب کند و به اجرا بگذارد، می تواند در حمایت اجتماعی افراد نیازمند کمک رسان باشد. چون اگر مردم توانمند با نیازمندان خویشاوند خود همیاری داشته باشند، نیازمندان هر قوم و فامیلی از حمایت افراد توانمند فامیل خود برخوردار

خواهند شد. اجرای این طرح در سطح وسیعتر از قبیل کمک رسانی به همسایگان و همشهریان حمایت اجتماعی افراد نیازمند را چند برابر گسترش خواهد داد. همچنین حکومت می‌تواند با تأسیس صندوقهای قرض الحسنه و نظارت بر روند فعالیت بانکها در این راستا نقش داشته باشد.

قرض الحسنه از اموری است که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است و توصیه شده است که مؤمنان بخشی از اموال خود را برای کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری آنها قرض دهند. به عقیده‌ی محققین گسترش فرهنگ قرض الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان اقشار جامعه می‌شود و کارایی اقتصادی بالا رفته و از شدت تورم و رکود جلوگیری می‌کند. (صدر، ۱۳۲، ۱۳۷۴) امام رضا (ع) در این زمینه دستور به پرداخت قرض الحسنه و امهال در گرفتن آن داده است. ایشان در روایتی می‌فرمایند: "وَأَرْفُقْ بِمَنْ لَكَ عَلَيْهِ حَتَّى تَأْخُذَهُ مِنْهُ فِي عَقَافٍ وَ كَفَافٍ فَإِنْ كَانَ غَرِيمَكَ مُعْسِراً وَ كَانَ أَنْفَقَ مَا أَخَذَ مِنْكَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَأَنْظِرْهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ" (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ۱۴۰۶، ۲۶۸)

ترغیب و تشویق مسلمانان به اعطای قرض الحسنه از اموری است که در گسترش حمایت اجتماعی افراد نیازمند موثر است که در این راستا تفهیم اهداف صندوق به مردم از طریق رسانه‌ها که با همکاری حکومت اسلامی انجام می‌شود امری بایسته است. حاکمیت و دولت اسلامی می‌تواند با تأسیس صندوقهای قرض الحسنه و تخصیص جوایز نفیس در جهت نیل به فرهنگ اسلامی قرض الحسنه در جامعه، افراد جامعه را به حمایت از افراد نیازمند ترغیب نماید. نظارت مستمر حکومت بر روند فعالیت بانکها در راستای سپرده گذاری و پرداخت وام به افراد نیازمند و مراقبت مستمر از رعایت ضوابط مربوطه اقدام دیگر حکومت است. همچنین لازم است نظارت شود هیأت امنای صندوقها افراد امین و عامل به احکام اسلامی باشند. علاوه بر آن لازم است منابع صندوقها به سمت توسعه اقتصادی جامعه و اشتغال‌زایی هدایت شود.

همچنین حکومت اسلامی می‌تواند با تلاش برای اجرای صحیح احکام اقتصادی در جامعه در این راستا نقش ایفا کند که خود نقشی اجرایی است. طبق آموزه‌های اسلامی طرق کسب درآمد به انواع حلال، حرام، ممنوع و جایز تقسیم شده است. در قرآن کریم

و روایات اسلامی، ربا، احتکار، دزدی و... به عنوان راههای نادرست کسب درآمد مطرح شده و حاکمیت مسئول کنترل اقامه‌ی احکام اسلامی در جامعه دانسته شده است: "... فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قِيمًا يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَيُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ وَمِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَيْسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳، ۳۲) عدم توجه به پیاده‌سازی احکام اقتصادی اسلامی زمینه‌ساز محروم شدن افراد بسیاری از برکات زندگی شده و انگیزه‌ی کار و فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه گرفته شده و جریان مال و ثروت در جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. علاوه بر آن گرایش مردم به مفاسد اقتصادی سبب فراموشی ارزشهای اخلاقی شده و بدین سان مردم نسبت به همیاری و مددکاری اجتماعی بی تفاوت می‌شوند و این پیامدی است که در سخنان امام رضا (ع) گوشزد شده است: "... وَ عَلَهُ تَحْرِيمُ الرَّبَا بِالنَّسْبَةِ لِعِلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ الْقَرْضَ وَ صِنَاعَ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ " (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۹۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۲: ۴۸۲)

امام رضا (ع) علت تشریع زکات را در سوق دادن جامعه به مساوات و حمایت و توانبخشی به فقیران و یاری رساندن به آنها دانسته و می‌فرماید: "أَنَّ عَلَهُ الزَّكَاةَ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ" (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۸)

با توجه به اینکه عدم توجه به احکام اسلامی با توجه به پیامدهای بسیار نامطلوبی که بر ساختار اقتصادی جامعه و عدم بهره برداری افراد نیازمند جامعه دارد، لازم است حاکم اسلامی نسبت به اجرای صحیح احکام اسلامی توجه نماید علاوه بر آن اعزام مأمور مالیاتی و تبیین وظایف وی و نیز جلوگیری از فعالیت‌های نامشروع و مخرب نسبت به کلیت اقتصاد کشور، از وظایف حکومت اسلامی است. چنانچه از منظر آموزه‌های اسلامی عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله‌ی انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه‌ی اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۴، ۱۴۰) مقام معظم رهبری در این زمینه بیاناتی به شکل زیر دارند:

"مسئولان کشور - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه و چه در قوه مقننه - باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور

را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بین المللی را تأمین کنند، راهش مبارزه با همین هاست". (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۹)

باید توجه داشت با توجه به این که طبق آموزه‌های اسلامی عمل آزاد و بدون مراقبت و نظارت قانون و مجریان قانون ممنوع است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ش، ۱، ۲۵۲) ممانعت از آزادی بی قید و شرط افراد در دستیابی به مال و ثروت از وظایف دیگر حاکمیت محسوب می‌شود. برخی از اقتصاددانان عقیده دارند اگر نظام اقتصادی اسلام به معنای درست خود اجرا شود، کودکان و یتیمان بی سرپرست، نیازمندان و بدهکاران و در راه‌ماندگان بسیار بالاتر، سخاوتمندانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از نوع بیمه‌ها و نظام‌های تأمین اجتماعی رایج در کشورهای پیشرفته تأمین می‌شوند (ابراهیم العسل، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

همچنین بستر سازی برای اجرای اصول اجتماعی جامعه‌ی اسلامی نیز از دیگر اموری است که توسط حکومت اسلامی می‌تواند انجام شود. زندگی در جامعه‌ی اسلامی مبتنی بر اصولی است که رعایت آنها از سوی افراد جامعه ضامن سعادت فرد و جامعه خواهد بود. طبق آموزه‌های اسلامی مسلمانان نسبت به هم مسئول بوده و جایز نیست در مواقع ضرورت و نیاز نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشند. خداوند در دارایی‌های توانگران، بجز خمس و زکات، حقوقی دیگر واجب و مقرر کرده است: "وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ. لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ" (معارج / ۲۴، ۲۵) امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی شریفه فرمودند: هو الرجل يؤتیه الله الثروة من المال، فیخرج منه الالف و الالفین و الثلاثة آلاف و الاقل و الأكثر، فیصل به رحمه، و یحمل به الكل عن قومه" (آری این درباره‌ی کسی است که خداوند ثروت و مالی به او می‌بخشد و او به مقدار هزار یا دو هزار یا سه هزار یا بیشتر و کمتر از آن جدا کرده و با آن صله رحم می‌کند و مشقت از قوم خود بر می‌دارد). اصل اخوت و برادری اصلی دیگر است که معیار اصلی تمامی روابط اجتماعی مردم را تعیین می‌کند و مدرسانی به یکدیگر از لوازم و آثار آن محسوب می‌شود. از منظر اسلام مومنان برادر یکدیگرند (حجرات/ ۱۰) و این برادری، برادری حقیقی است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱: ۲۷۱) و این برادری اگر به مساوات و همیاری در مسائل اقتصادی نینجامد مردود است (ورام، ۱۳۶۹: ۲، ۸۵). باید دانست عدم احساس مسئولیت در افراد جامعه نسبت به یکدیگر و آگاهی نداشتن بعضی از اقشار جامعه نسبت به قوانین

و حقوق افراد مسلمان نسبت به یکدیگر از موجبات اجرا نشدن این اصل در جامعه است. اصل شراکت مسلمانان در اموال یکدیگر از اصولی است که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در این آموزه‌ها شریک قرار دادن بینوایان در اموال ثروتمندان به خدا نسبت داده شده (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴، ۳۹۲؛ کلینی، ۱۴۰۳: ۳، ۵۴۳) و صراحتاً دستور به شریک نمودن نیازمندان در زندگی داده شده است (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴، ۳۹۱) لذا ترویج روحیه‌ی مشارکت اجتماعی و فرهنگ تعاون بین مردم به عنوان یک الگوی ارزشی مبتنی بر فرهنگ اهل بیت از اقدامات حکومت اسلامی در این راستا است. مشارکت اجتماعی به معنای کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان یافته‌ی افراد و گروه‌ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۸). مشخص است که پیاده‌سازی این اصول نیاز به برنامه‌ریزی نظام یافته دارد و وظیفه‌ی حاکمیت اسلامی بستر سازی مناسب در جامعه برای اجرا شدن اصل مذکور است که در این راستا می‌تواند با انجام کارهای آموزشی، فرهنگی و تبلیغات زمینه‌ی تقویت عواطف عمومی افراد جامعه و مشارکت را فراهم آورد که لازم است به اصل ایجاد مسئولیت‌پذیری قانون‌مدار توجه ویژه شود.

پرسش چهارم: نقش هدایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

توسعه‌ی بینش فرهنگی جامعه و فرهنگ‌سازی صحیح متناسب با آموزه‌های اسلامی در راستای خدمت‌رسانی به نیازمندان نقش معینی را در گسترش همیاری و حمایت افراد نیازمند ایفا می‌کند. طبق آیه‌ی شریفه‌ی "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ" تلاوت و اطلاع‌رسانی قوانین اسلامی از وظایف پیامبر (ص) به عنوان حاکم اسلامی است. همچنین تزکیه‌ی جامعه از آلودگی‌ها از وظایف دیگر اوست که در این راستا قابل تبیین است. حاکم اسلامی با تأمین امنیت و تعمیق فرهنگ اسلامی است که می‌تواند جامعه را از مفساد اجتماعی دور سازد که تعمیق فرهنگ انفاق از نمونه‌های بارز آن است. به نوشته‌ی مصباح یزدی حفظ حدود و قوانین و فرهنگ اسلامی و جلوگیری از رفتاری که موجب تضعیف فرهنگ اسلامی در جامعه شود، در رأس وظایف دولت

اسلامی قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۶۲). لذا بر دولت و حاکمیت است که بتواند با ابزارهای مناسب در زمینه‌ی ایجاد روحیه‌ی خدمت‌رسانی به هم‌نوع فرهنگ‌سازی نماید که در این مورد رسانه‌ها می‌توانند با تولید محصولات فرهنگی مختلف در این زمینه و الگو دهی مناسب نقش بسیار کارآمد و موثری در توسعه و ارتقای فرهنگی جامعه ایفا نمایند. همچنین حاکم اسلامی می‌تواند با استفاده از فضاهای تبلیغاتی درون شهر، فیلمهای تبلیغاتی و... فرهنگ انفاق را به عنوان فرهنگ حاکم در ارتباطات انسانی تبدیل کند که این امر با تکرار در جامعه محقق می‌گردد. همچنانکه بنا به عقیده‌ی گوستاولوبون هر چیزی که تکرار شود چنان در ذهن‌ها استوار می‌گردد که به مثابه‌ی حقیقتی اثبات شده مورد قبول عامه واقع می‌شود. (نراقی، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۴)

همچنین التزام کارگزاران دولتی به ساده‌زیستی اقدام دیگری است که می‌تواند توسط حاکم اسلامی انجام شود. با این توضیح که با توجه به اینکه رفتار عملی حاکمیت و کارگزاران دولتی نقش بزرگی در فرهنگ‌سازی رفتار در سطح جامعه دارد، التزام کارگزاران دولتی به ساده‌زیستی مهمترین بعد رفتاری آنها در این زمینه محسوب می‌شود. حضرت علی (ع) به این نکته‌ی روانشناختی توجه نموده است، آنجا که می‌فرماید: "النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ" (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۳۳) حاکمیت باید این امر روانشناختی را مدنظر قرار داده و ضمن التزام به ساده‌زیستی با ابزارهای مختلف تبلیغاتی و رسانه‌های عمومی، ساده‌زیستی را به عنوان باوری صحیح به مردم تلقین کند. در این صورت مردم با نگاه به زندگی حکمرانان دولتی، رفتار خود را بر اساس همان باورهای تلقین یافته تنظیم خواهند کرد. همچنانکه حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود علت اتخاذ ساده‌زیستی در زندگی را تأسی فقیر به سیره‌ی خود و ممانعت از طغیان ثروتمند به وسیله‌ی ثروتش دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۴۱۰). از این روست که لازم است حاکم اسلامی زندگی ساده‌ای داشته باشد تا مردم نیز با الگو قرار دادن آنها با افراد نیازمند اظهار همدردی نمایند و با اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی زمینه‌ساز فقر و نیازمندی نگردند.

نقش هدایتی دیگر حکومت اسلامی در این راستا آموزش و تربیت جامعه‌ی صالح و معنوی است. تعلیم و تربیت دینی و افزایش معنویت افراد جامعه از کارهای دیگری است که در راستای گسترش حمایت اجتماعی افراد می‌تواند توسط حاکم اسلامی انجام



گیرد. به وسیله‌ی تعلیم و تربیت دینی زمینه‌ی رشد و تعالی افراد جامعه فراهم شده و استعدادها در جهت کمال مطلق شکوفا می‌گردد. معنویت به این معنی است که انسان براساس جهان‌بینی توحیدی به مبدأ و معاد باور داشته باشد و انسان را در برابر خدا و خود و جامعه و جهان، مسؤول و پاسخگو بداند. بنابراین، دولت اسلامی در جایگاه خلیفه‌ی خدا در روی زمین نمی‌تواند در برابر تحولات اخلاقی جامعه و میزان تقید آن به انجام معروف‌ها و دوری از منکرات بی‌تفاوت باشد؛ بلکه بر عهده‌ی دولت اسلامی است که به فکر توسعه‌ی معنویات باشد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که دولت موظف است تلاش نماید با مدیریت صحیح و بدون استفاده از قهر و غلبه از طریق ساختارهای آموزشی و تربیتی رسمی و غیر رسمی، ضمیر ناخودآگاه شهروندان را به سمت اخلاقیات و حرکت در ارزش‌های جامعه سوق دهد و این وجه تمایز حکومت اسلامی با حکومت‌های غیر اسلامی و لائیک است؛ در نگاه اسلام تأمین مصالح معنوی و ایجاد زمینه برای رشد اخلاق و معنویت بر عهده‌ی حکومت است ولی شعار حکومت‌های لائیک این است که وظیفه‌ی حکومت تنها تأمین امنیت و آزادیهاست. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۹). از این رو اختصاص بخشی از اعتبار و بودجه‌ی عمومی برای توسعه‌ی شناخت و معرفت دینی و آموزشی شهروندان ضروری است. معرفی الگوهای نظیر ائمه علیهم السلام و آموزش و بیان قول و فعل آن امامان بزرگوار در زمینه‌ی لزوم خدمت‌رسانی به خلق و پیامدهای ناگوار خودداری از خدمت به خلق در این زمینه مفید است. آیه‌ی شریفه‌ی "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ" "ایجاد مراکز علمی آموزشی را از وظایف حاکم دانسته است. امام علی (ع) نیز یکی از وظایف خود به عنوان حاکم اسلامی را آموزش و تربیت مردم دانسته است: "أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْنَا وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا" (نهج البلاغه، ۷۹)

مقام معظم رهبری نیز بر لزوم ترویج فضائل اخلاقی بین افراد جامعه تأکید نموده و می‌فرماید: "نمی‌شود مسئولین کشور مسئولیتی احساس نکنند در زمینه‌ی هدایت فرهنگی جامعه... اگر چنانچه مزاحماتی وجود دارد، آنها را برطرف کنند؛ جلوی موانع

را، عناصر مخرب را، عناصر مفسد را بگیرند... دولت، وظیفه برای ترویج بیشتر [دین] دارد. هر کسی هر توانی که دارد، باید خرج کند... از همه‌ی اینها پرتوان‌تر هم دستگاه حکومت یک کشور است؛ خوب، طبعاً باید توان خودش را صرف کند در راه ترویج فضائل و جلوگیری از آنچه مزاحم رشد فضائل است. پس بنابراین فرهنگ جامعه متولی می‌خواهد؛ مثل اقتصاد" (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲)

طبق فرموده‌ی خداوند در آیه‌ی بیست و پنجم از سوره‌ی حدید اقامه‌ی قسط و وظیفه‌ی پیامبران الهی است: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند..." وظایفی که انبیای الهی بر عهده دارند مؤمنان نیز در حد و وسع خود آن وظایف را بر عهده دارند. جمله‌ی "لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" از "خودجوشی مردم" سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسانها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می‌فرماید: هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند. (مکارم شیرازی، ۲۳، ۳۷۲) لذا هرگاه قیام به قسط صورت گیرد و جوامع بشری در تولید و مصرف به حق و عدالت عمل کنند، ریشه‌ی فقر و گرسنگی از آن جامعه کنده خواهد شد و اقتصادی پویا به وجود خواهد آمد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۴).

سوال پنجم: نقش حمایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

حمایت از نهادها و سازمانهای جمع‌آوری صدقات توسط حکومت اسلامی راهی برای بهره‌گیری هرچه بیشتر و بهتر از مشارکت‌های اجتماعی مردم و سامان دادن نظام اقتصادی جامعه و تأمین نیازمندیهای افراد نیازمند است. حاکمیت ملزم است که با بسترسازی برای توانمند نمودن افراد نیازمند و بازتوانی آنها، ضمن حمایت و کمک‌رسانی مادی از مؤسسات و نهادهایی که افراد توانمند جامعه در راستای کمک‌رسانی به طبقات محروم راه‌اندازی کرده‌اند، زمینه‌ی گسترش حمایت از افراد نیازمند را فراهم سازد. یکی از این مؤسسات کمیته امداد امام خمینی است که با دستور امام خمینی (ره) ۲۲ روز پس



از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس و در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ فعالیت خود را شروع نمود و اقدام به شناسایی نوع و میزان محرومیت جوامع شهری و روستایی کشور نمود و با جمع آوری کمکهای مردم و اعتبارات دولتی اقدام به حل مشکل و رفع نیازهای محرومان نموده است. (انصاری، ۱۳۸۲). از بیان امام علی (ع) که می‌فرماید: "...وَأْمَسِكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِجَاهِكُمْ وَ بِالْمَعُونَةِ لَهُ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاهُ عِنْدَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا بِحَائِنِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ..." (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۱، ۱۸۸) می‌توان استنباط کرد که حتی درخواست از افراد توانمند نیز از وظایف دیگر حاکمیت می‌باشد. توانمندسازی محرومان و مددجویان در همه‌ی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از برنامه‌های نهادهایی نظیر کمیته‌ی امداد است که حاکمیت می‌تواند با آموزش قبل و حین کار مهارت و تخصص لازم افراد را افزایش دهد.

همچنین حمایت از مؤسسات خصوصی در راستای اشتغال‌زایی از اقدامات حکومت اسلامی است که می‌تواند در این زمینه نقش ایفا کند. کار و تلاش در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار بوده و لزوم انجام کار اقتصادی برای تأمین زندگی از واجبات است. اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده، از بیکاری، تنبلی و سربرار دیگران شدن به شدت منع نموده است. در آیه‌ی شریفه‌ی "وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛" و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون‌بخشی او [روزی خود] بجوید، باشد که سپاس بدارید" (قصص/۷۳) آرامش شب مقدمه‌ی تلاش روز برای کسب روزی معرفی شده است. از منظر روایات آن کس که با کار و عمل در جستجوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگتر از مجاهدان راه خدا دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۸۸؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴: ۶، ۲۴) لذا هر فردی از افراد اجتماع وظیفه دارد با کار و تلاش هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی تحت تکفلش را تأمین نماید. فقرا و نیازمندان نیز وظیفه دارند با کار و تلاش درآمدزا به رفع فقر خود کمک نمایند و حاکمیت نیز می‌تواند با اختصاص بخشی از بودجه به افراد نیازمند کارآفرینی کند. تأسیس کارگاه‌های کوچک برای اشتغال بیکاران، ارائه خدمات مشاوره، ایجاد طرح‌های اشتغال‌زا و زودبازده در راستای حمایت از محرومان جامعه، تلاش در

تحقق شعار حمایت از تولید داخلی، زمینه‌سازی وام با سود کمتر که مرتبط با گسترش حمایت‌های اجتماعی در سطح جامعه است، از اقداماتی است که دولت می‌تواند در راستای حمایت از نیازمندان انجام دهد. در حقیقت حکومت اسلامی با این اقدامات و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال، افراد را به کار و تلاش ترغیب نموده و از آنان می‌خواهد با کار و کوشش خود، زندگی خویش را اداره نمایند.

ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال نیز امر دیگری است که توسط حاکم اسلامی می‌تواند محقق گردد. بنا به آموزه‌های اسلامی توانمندان نسبت به ناتوانان مکلف بوده و لازم است تا مرز توان‌یابی نیازمندان یاری و حمایت گردند. در حدیثی می‌فرمایند: "انَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبُلُوَى" (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۳)، طبق این حدیث لازم است مردمان توانمند برای اداره‌ی امور مردم نیازمند قیام نمایند که ایجاد زمینه‌های اشتغال از مصادیق آن است. دولت و حکومت اسلامی برای گسترش حمایت‌های مردمی جامعه از نیازمندان می‌تواند با پشتیبانی و حمایت از افرادی که ظرفیت ایجاد شغل را دارند، زمینه‌ی اشتغال افراد نیازمند را فراهم آورد. لذا می‌توان گفت ایجاد فرصت‌های برابر برای اشتغال نیازمندی که می‌توانند با فعالیت اقتصادی و کار برای تأمین نیازهای خود اقدام کنند از کارهای دیگر حکومت اسلامی است. لذا لازم است حاکمیت حوزه‌هایی که ظرفیت‌های مناسب و بیشتری برای ایجاد اشتغال دارند را شناسایی کند و با برطرف کردن موانع و تسهیل شرایط و اعطای تسهیلات، بخش خصوصی را به فعالیت بیشتر در عرصه‌ی اقتصاد و ایجاد اشتغال تشویق کند که در این میان حمایت از نیازمندان باید در اولویت کار قرار گیرد. همچنین دولت می‌تواند با حمایت از طرح‌های حمایتی مجلس شورای اسلامی در این زمینه نقش داشته باشد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان مردم وظیفه دارند طرح‌هایی در راستای حمایت از افراد نیازمند تصویب کنند و دولت اسلامی نیز وظیفه دارد از اینگونه طرح‌ها پشتیبانی نموده و آنها را به مرحله‌ی اجرا در آورد. همچنین در مواقع ضرورت لوایحی پس از تصویب در هیئت وزیران به مجلس ارائه کند. از نمونه طرح‌ها می‌توان به طرح اختصاص یارانه‌ی بیشتر به افراد نیازمند بر حسب میزان نیازمندی اشاره نمود.



۵- نتیجه گیری:

تعالیم اسلامی طوری طراحی شده‌اند که انسان را به توجّه به هم‌نوع خود ترغیب نموده و او را طوری تربیت می‌کند که خود را در برابر برادران دینی در جامعه مسئول دانسته و در رفع حوایج و نیازمندیهای آنان تلاش نماید. رهاورد این تعالیم و اجرای آن توسط هر فرد، کاهش مشکلات خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... و افزایش سازندگی و رشد جامعه و ایجاد امنیت و آرامش است. در این تحقیق تلاش شد با استفاده از آموزه‌های اسلامی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان مورد تبیین قرار گیرد. بدین منظور تلاش شد آموزه‌های مرتبط با نقش حکومت اسلامی در ابعاد مختلف آن استخراج شده و مجموعه‌ای از گزاره‌ها در قالب نقشهای شناختی، اجرایی، نظارتی و حمایتی تدوین شوند و در فرایند اعتبارسنجی با آموزه‌های قرآنی و روایی و سیره‌ی حکومتی ائمه (ع) مورد مقایسه قرار گیرند. نتایج حاصله از این قرار است که حکومت اسلامی می‌تواند علاوه بر گنجانیدن دروس مرتبط با انفاق در آموزش و پرورش، یا تشکیل کلاسهای آموزشی، یا نشستهای هدفمند با موضوع انفاق در سطح عمومی، جامعه را به سمت حمایت از نیازمندان هدایت نماید. همچنین حکومت می‌تواند با نظارت و پی‌گیری اجرای آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوطه و نظارت بر ورودیهای فرهنگی جامعه و سوق دادن جامعه به سمت ساده‌زیستی و جلوگیری از ایجاد روحیه‌ی مصرف‌گرایی نقش نظارتی خود را ایفا نماید. با توجه به اینکه نقش حمایتی در دو جنبه‌ی حمایت مادی و معنوی می‌تواند صورت گیرد، حمایت از رسانه‌ها و برنامه‌سازان فرهنگی در جهت به تصویر کشیدن ابعاد زندگی شخصیت‌های بزرگ اسلامی و حمایت از متولیان این امور نیز در این دو بعد و جنبه مادی و معنوی امری لازم است. به طوری که علاوه بر حمایت مالی و تخصیص بودجه به انجام امور مرتبط با آن حکومت می‌تواند با برنامه‌هایی نظیر بزرگداشت و نکوداشت فعالان فرهنگی در زمینه‌ی انفاق و وقف از آنها حمایت معنوی نماید.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
- نهج البلاغه صبحی صالح
- ابراهیم العسل (۱۳۷۸)، توسعه در اسلام، ترجمه‌ی عباس عرب مازار، مشهد، آستان قدس رضوی
- ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه نعمانی، تهران، نشر صدوق
- ابن ابی شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول؛ قم، جامعه مدرسین
- ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه
- امام خمینی (۱۳۷۴)، آیین انقلاب اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش و دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر
- بیانات رهبر انقلاب (۱۳۸۷)، بیانات مقام معظم رهبری مندرج در Khamenei.ir
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، نشر اسراء
- حسینی زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰ش) الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- دیوبندی، محمود حسن (۱۳۸۵) تفسیر کابلی، احسان - ایران - تهران
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۰) عقاید استدلالی، تهران، انتشارات نصایح
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷) تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن
- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین، زیرم زاده، تهران، شرکت سهامی
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۸)، هدایه الامه الی احکام الائمه، مشهد، آستانه رضویه المقدسه
- شیخ صدوق (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان
- شیخ صدوق، (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری
- شیخ صدوق (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه مدرسین
- صدر، سیدکاظم (۱۳۷۴)، آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض الحسنه، مجموعه مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه‌ی عالی بانکداری اسلامی
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵)، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات
- طریحی، نصرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی
- طبیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر اسلام
- عروسی حویزی، عبدعلی جمعه (۱۴۱۵)، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان



- فاستر، مایکل (۱۳۶۱)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، امیر کبیر، تهران
- الفقه المنسوب الی الامام الرضا (۱۴۰۶)، مشهد، موسسه آل البيت عليه السلام
- فیضی، طاهره (۱۳۸۳) مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات دانشگاه پیام نور
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸) تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹)، الخرائج و الجوارح، قم، موسسه امام مهدی
- کاظمی، علی و دیگران (۱۳۹۱)، "تأثیر معنویت اسلامی بر هویت سازمانی"، اولین همایش ملی مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲) الزهد، مطبعه العلمیه
- گیدنز، جامعه‌شناسی (۱۳۸۴) ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، دار احیاء تراث العربی
- محامد، علی (۱۳۸۹)، مبانی قرآنی حکومت دینی، پژوهشکده علوم و معارف قرآنی
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، نظریه سیاسی اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نراقی، (۱۳۷۷)، جایگاه تبلیغات در جهان امروز، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰)، فلسفه‌ی سیاست، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۵)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مشهد، موسسه آل البيت عليهم السلام
- ورام، ابی فراس (۱۳۶۹)، مجموعه‌ی ورام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه - ایران - تهران، چاپ دهم
- موسوی اصفهانی، جمال الدین (۱۳۶۸)، پیام‌های اقتصادی قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

